

پنج شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۷. ۲۹ جمادی الثانی ۱۴۴۰. شماره ۲۹۴۹

سیاه، سفید، خاکستری

همسر من نا جوانمردی کرد

هر روز به بهانه‌های مختلف مرا به منزل پدر می‌برد حتی می‌گفت که شب‌ها مرا هم آن جا می‌نامند که مخالفت می‌کردم می‌گفتم دوست دارم در منزل خودمان باشم و ... یک سال سپس رضا که یکی از آشنایان مرا معرفی کرد ... بود از دواج کردم. او زن و دو فرزند داشت و می‌گفت که چون با همسرش اختلاف شدید دارم می‌خواهم از آن جدا شوم. در این بین من می‌دانم چرا قبول کرد که در حالی که استغنا را می‌دید که هر چه داشتم که موقعیت سابق خیلی بهتر از او بود. آن قدر پدر رضا مد وقت که بالاخره قبول کردم. در واقع پدر شوهر من با همسر سابق رضا به اشتد اختلاف داشت و می‌گفت که آن زن او باافر زایدی را داشته داشته است و برای این که آبروی آن‌ها بیشتر از این نرود، در شرف طلاقش هستند البته رضا هم گفته‌های پدرش را تصدیق کرد و وقتی وارد منزل سر ما شد من گنگار خمیازه وسط صدای خورده بودو از آن‌جا که هیچ چیزی از او نخواست بودم و قبول کردم با هم‌ان وسایل کهنه کتابی باهم‌نابراین دستی به سر و روی خانه کشیدم و آن را تمیز کرد. همسر دختری چهار و پسر سی ساله داشت که هر دو شرایط روحی مناسبی نداشتند بنابراین من هم سعی و تلاش را به کار بردم تا آن‌ها را کمبودی احساس نکنند. معلوم نبود پدر و مادرشان با آن‌ها چطور می‌رفتار کرده بودند که از همان اول وابسته ما شدند و مرا مادر مادی می‌کردند. تا احساس ما را بطوری به ما داشتند و کنار یکدیگر احساس خوشبختی می‌کردیم. حتی رضا مرا فرشته نجات خودش و بچه‌هایش می‌دانست. قرار بود هفته‌ای یک بار بچه‌ها مادرشان را ببینند. رضا می‌گفت که دوست داشت آن‌ها قیافه زن سابق را ببینم برای همین بچه‌ها را خودم تکیه می‌دادم. در این مدت در زندگی مرا برایش کم نگذاشتند و ولی او دو ماه پیش ورق پر شکست، شوهرم خیلی ناراضی و مشغول بودو توجهش به من بسیار کم شدو کمتر حرف می‌زد.

هر روز به پنهان‌ها می‌رفت و با هم‌نشینان مختلفه بره منزل با هم می‌برد، حتی می‌گفتن قسب دار هم آن جا بنامین می‌گذاشتن می‌خواستن می‌کرد و می‌فکتم قسب دار هم از منزل خودم خارج باشم. یک روز که بحث مان شد و دلیل کارهایش را پرسیدم در جواب گفت که دوستانم ندانند یا بشنیدن این جمله حساب کردم سبب سخت شدنم شد. اما بحث بالا گرفت و مرا به منزل مادر برد و تا چند روز سر را می‌زد و حتی جواب تلفن‌ها را نمی‌داد اما چون زنگ می‌زد او دوست داشتیم توشم بشنیدم گفته به منزل برگردم، وقتی وارد منزل شدم، شوهرم گفت که چرا آمدی؟ برگردی می‌خواهه من زنگ می‌زنم و متوجه حضور زن سابقش در منزل شدم. با گریه گفتم تو که خائنم! او از منی داشتی سپی چرا بدی دوست کردی؟ حالا این اوضاع غنی‌اش بنامین با بوم؟ شوهرم در جوابت دار و قسب ندارم و جدا شوم اما طرفی او دیگر هیچ تو جویی به من ندارد. او با توا چون می‌دوی بی معرفتی حساب کنی که او خالی کرد و معلوم نیست کجا هست، حتی جواب تلفن‌ها را هم نمی‌دهد و زنگ می‌زند مرا به منزل برمی‌بخشد.

این اساس بار صد اطلاعات و پایش تیم عملیات، مستندات کافی جمع آوری شد و با گرفتن نیات دادگستری، تیم به مقصد اعزام شد و فردا کرد چاق کن هنگامی که شهروندان به تهران بروند افزود: متهم سابقه دار با چرب زبانی توانسته است از خانواده متهم پرورنده اخاذی کند. در بیان این که شهروندان به ویژه افرادی که در محاکم قضایی پرورنده دارند نباید این گونه افراد را شیاد و اخوذنند چون باید روند رسیدگی به طور قانونی انجام شود. افزود: این افراد که در رصد اطلاعاتی دستگاه قضایی هستند دیر یا زود گرفتار قانون خواهند شد.

گذری در ستاد دیه

هیچ یک کوتاه نیامدیم

چهار زندگی را تجربه کرده و شش ماه هم به قول
دش با میله های زندان هم صحبت شده است.
می گوید: بعد از تحقیق از دواج کردم و همه این
ها را خودم به سرم آوردم. بعد از پنج سال زندگی
ترک، اختلاف های شدیدی بین من و همسر
پای افتاد، با همدیگر تفاهم نداشتیم و سر هر
موضوع کوچک و بزرگ بحث می کردیم اما دروغ را
بزرگان بارها کلاه می زدند و من مادرش بدم
آن ها بی تفاوت رد شدند و در این میان دخترم
هم به خود امانه تن من و همسر هیچ یک، کوتاه
نمی آمد. پنج سال به همین سگسخت و ساری
و همسر ام طلاق دادم و به طور اقساط ماهی
دو را پرداخت می کردم اما برای این که لجن را
بیاورم همان سال دوباره از دواج کردم. از دواج
خدا، همسر را شیر کرد و قبل از آن اگر در دواج
بود، اقساط مهریه پولی نداشتم کوتاه می آمد اما
این شرایط دوباره از من شکایت و معوقات خود را
کردم و دو بایده ۴۰۰ میلیون تومان بر من داشت
و چون چیزی در بساط نداشتم شش ماه
روانه زندان شدم. اگر در همان اختلاف اول یکی
مادونفر کوتاه می آمدیم یازگان ورودی می کردند
من هم از دواج نمی کردم شاید همسر مرد در آن
زندگی می کرد اما حالا بعد عمر مرد دوباره
می کشم. مگر نمیدانید که ستاد بی استان در باره
نده این زندانی به خبرنگار ما گفت: ابتدا چند بار
بی رضایت، همسر اول مددجو را دعوت کردند
حاضر به گفتگو نشد ولی در آخرین بار یعنی هاز
۴۰۰ میلیون تومان اصل مطالبه خود گذاشت و فقط
۱۰ میلیون تومان درخواست کرد. «خوبی» افزود:
زنده این مددجو در هیئت امنای طرح شد و به زودی
بخش تسهیلات زمینه آزادی این زندانی ۳۳
له رفاه می شود.

کار چاق کن قلابی

آقا ارتباط برقرار و در نتیجه اعتماد خانواده متهم
پرونده را جلب و در قرار داد اعلامی کند که برای
رفع این مشکل باید ۱۱۰ میلیون تومان پرداخت
کنند که آن هانیز در گام اول ۱۰ میلیون تومان
به طور نقدی و در مرحله بعدی ۳۰ میلیون تومان
به حساب وی واریز می کنند. وی ادامه داد: بر

این بین فرد ۴۲ ساله ای که با آن هارفت و آمد داشت طوری وانمود می کرد که در مجموعه دادگستری استان و حتی قوه قضائیه کشور افرادی با نفوذ دارد که می توانند برای متهم پرونده کاری انجام دهند. وی گفت: فرد مدعی باتماس های صوری با فردی دیگر به عنوان حاج

معاون دادستان بیرجند:

سارقان سابقه دار عید در زندان می مانند



- نگرانی از سرقت های خرد

رئیس اداره کل انرژی و پاسگاه های فرماندهی نظامی سر جرنده هم گفت: تلاش جدی به منظور آرمش اجتماعی و ایجاد محیطی امن برای شهروندان در جلسه های انتظامی برنامه ریزی شده است. سر هنگم محمد حسینی افزود: امسال آمار سرقت های مهم ۲۰ درصد کاهش داشت و تگرانی ها به بیشتر با سرقت های خر دشت و بیشترین با سرقت های ماکن خصوصی و سرقت محتویات داخل خودروست که ۷۰ درصد سرقت های خود اختصاص داده است. وی افزود: کفایت سرقت در ۱۱ ماه امسال ۳۹ درصد افزایش یافته همچنین دستگیری سارقان ۳۶ درصد رشد داشته است. وی ادامه داد: در نوزدهم سرقت های ۲۱ درصد نسبت به سال قبل آن کاهش داشت.

• بیشترین سرقت در بیرجند

رئیس اداره سرقت پلیس آگاهی استان نیز گفت:
دستگاه های اداری روی اموال و وسایل خود

نیازمندی‌های عمومی

[illegible]